



۱۱

سال سوم
پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱
صص: ۱۰۱-۸۱شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۳۹۸
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱

نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی

بررسی بایستگی‌ها و ویژگی‌های فرماندهان نظامی در نظام تمدن اسلامی مبتنی بر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه

ابراهیم محمدزاده مزینان^۱ | عباس سرافرازی^۲

چکیده

تمدن اسلامی برای حفظ و بالندگی خود نیاز به ابزارها و پیشران‌هایی دارد. در این میان نهادهای حکومتی و مجریان دولت در نظام انقلاب اسلامی اصلی‌ترین ابزارهایی هستند که در جوامع بشری به منظور تحقق و حفظ تمدن نقش اساسی ایفا می‌کنند. ایجاد نظم اجتماعی، ایجاد امنیت و احساس قدرت که از مؤلفه‌های تمدنی در نظام اسلام است که برعهده نهادهای نظامی و انتظامی گذاشته شده است. برای فهم عمیق این مؤلفه‌ها و نقش بی‌بدیل این نهاد در تمدن انقلاب اسلامی؛ کلام علی علیه السلام که به عنوان امام و حاکم جامعه اسلامی مطرح بوده‌اند، باید به عنوان یکی از منابع اصیل اسلامی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین هدف از این نوشتار بررسی ویژگی‌های فرماندهان نیروی نظامی و انتظامی در حکومت اسلامی است که سعی می‌کند با روش توصیفی-تحلیلی بایستگی‌های تمدنی و انقلابی نیروی نظامی در زمینه‌های مختلف را مورد کنکاش قرار دهد تا یکی از پیشران‌های تمدن اسلامی مبتنی بر نظریه امیرالمومنین در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه مورد توجه قرار گیرد. برای نیل به این منظور، بررسی بایسته‌های فردی و شغلی فرماندهان نظامی و انتظامی و نیز رابطه میان آنها با حاکم و سربازان مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: امیرالمومنین (ع)، نامه ۵۳، فرماندهان نظامی، انقلاب اسلامی، بایستگی، تمدن.

ebrahimmazinani99@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: طلبه سطح چهارم حوزه علمیه، مشهد، ایران

ab.sarafrazi@um.ac.ir

۲. دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

استناد: محمدزاده مزینان، ابراهیم؛ سرافرازی، عباس. بررسی بایستگی‌ها و ویژگی‌های فرماندهان نظامی در نظام تمدن اسلامی مبتنی بر نامه ۵۳

نهج‌البلاغه، ۱۱(۳)، ۱۰۱-۸۱

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

حفظ و حراست از کرامت انسانی و موجودیت نظام دینی برای نیل به سعادت به عنوان یکی از اهداف اساسی در تمدن اسلامی به شمار می‌رود. اسلام برای تثبیت و حفظ کیان خود علاوه بر توسعه و بهبود وضعیت فرهنگی و اشاعه معارف دینی، از ابزارهای امنیتی نیز برای تداوم قدرت نرم خود استفاده کرده است. نیروهای نظامی و انتظامی با تحقق امنیت اجتماعی، نهادینه سازی امر به معروف و نهی از منکر، نهادینه کردن قانون گرایی در جامعه، مبارزه با فساد، جلوگیری از اشاعه فحشا و ترویج روحیه جهادی و... می‌توانند در تکوین تمدن نوین اسلامی نقش اساسی داشته باشند. برای نیل به این مقصود، باید بن‌مایه اصلی این نگاه را از درون منابع اسلامی استخراج و ترویج کرد. از این روی نهج‌البلاغه و به طور خاص نامه ۵۳ آن مورد توجه قرار گرفته است. در این نامه که امام علیه السلام هنگام فرستادن مالک اشتر به مصر نوشته است، بخشی از آن را به شناخت اقشار گوناگون اجتماعی به ویژه نیروهای نظامی و انتظامی و بایستگی‌های آنان در حکومت اختصاص داده است.

اهمیت موضوع و تمرکز بر این نامه آن زمان مشخص می‌گردد که موقعیت محل مأموریت مالک اشتر؛ یعنی سرزمین مصر مورد توجه قرار گیرد. منطقه مشرق زمین و از جمله سرزمین مصر پس از تمدن بین‌النهرین جزو اولین خاستگاه‌های تمدن بشری بوده است که در چندین هزار سال قبل، پیش از آنکه دیگر نقاط وارد تمدن شوند آن‌ها پایه‌های تمدن بشری را گذاردند تا آنجا که این منطقه گهواره تمدن بشری نام گذاری شده است. بسیاری از پیامبران بزرگ الهی که پایه گذاران تمدن مادی و معنوی بوده‌اند نیز همگی از این منطقه برخاستند، سپس پیام دعوت آن‌ها به دیگر نقاط عالم منتقل شد. از این روی هر آنچه امیرالمومنین به مالک سفارش می‌کنند، به واقع سفارش به مدیریت یک جامعه تمدنی است و در اصل واکاوی این نامه، دستیابی به دیدگاه اسلام درباره شاخصه‌های مدیران تمدنی در جهان اسلام است که در این مقاله بخش نظامی و انتظامی آن مورد توجه قرار گرفته است.

بنابراین سوالات اساسی این تحقیق این است که در نگاه اسلامی، نیروهای انتظامی و در رأس آن فرماندهان این نیرو چه نقشی در تکوین تمدن دارند؟ چه ویژگی‌ها و بایسته‌های فردی، شغلی

باید در فرماندهان انتظامی متجلی باشد تا این نیرو در تحقق و ترویج تمدن اسلامی مؤثر باشد؟ برای پاسخ به این سوالات باید کلام امیرالمؤمنین که به عنوان حاکم جامعه اسلامی مطرح بوده و در تحقق تمدن اسلامی نقش بی‌بدیلی داشته است مورد توجه قرار گیرد. سراسر نهج‌البلاغه به ویژه در نامه‌هایی که به حاکمان و فرمانروایان نگاشته شده است، مضامین و رویکردهای تمدنی به ویژه درباره نقش تمدنی حاکمان، مدیران و نظامیان و... اشارات فراوانی شده است که براساس آن می‌توان تکلیف شاخصه‌های تمدنی نظام انقلاب اسلامی را نیز مشخص نمود.

مبانی نظری

آنچه مبنای این مقاله را شکل می‌دهد این است که اسلام به عنوان نظام دینی جامع که ریشه در فطرت دارد و از سرچشمه وحی سیراب می‌شود، با دیدی عمیق و بینشی گسترده به انسان و انسانیت در ابعاد مختلف می‌نگرد و دارای نظام ارزشی ویژه‌ای است که در پناه آن سعادت و کمال انسان را تضمین می‌نماید. مدیریت و اداره امور جامعه نیز از شئون مهم زندگی انسانی است که در منابع اسلامی به آن پرداخته شده است. بخشی از این مدیریت که در تداوم تمدنی نظام اسلامی از اهمیت برخوردار است وجود افراد شایسته و در طراز اسلامی در نیروی‌های نظامی است. یکی از علل شکل‌گیری و اعتلای تمدن‌ها از منظر کلام وحی وجود نیروی نظامی مقتدر است. به واقع برخورداری هر نظام و حاکمیتی از آمادگی نظامی که در سایه وجود یک سازمان نظامی توانمند حاصل می‌آید، از عناصر کلیدی «قدرت ملی» آن کشور و نظام است. از سویی دیگر نظام اسلامی چون اهداف و آرمان‌هایش با دشمنان داخلی و خارجی متعددی رو به رو است، نیازمندی‌اش به نیروها و مدیران طراز و شایسته بیشتر است که در این نوشته بدان اشاره خواهد شد. از این روی منظور از «بایستگی» همان معنوی لغوی آن است که به ویژگی‌ای اطلاق می‌شود که جودش لازم، ضروری و واجب باشد (دهخدا، ۱۳۷۷) و کاربرد اصلاحی آن در این پژوهش به معنی ویژگی‌ای است که یک نظامی برای نقش آفرینی در تمدن اسلامی واجب و ضروری است که آن را دارا باشد.

پیشینه پژوهش

با رصد پژوهش‌هایی که درباره نامه ۵۳ نهج‌البلاغه انجام شد، چنین برمی‌آید که تاکنون پژوهشی با رویکرد تمدنی به ویژگی‌های نیروی نظامی یا انتظامی نپرداخته است. تنها مقاله با عنوان «تحلیل و بررسی، ویژگی‌های فرماندهان در دیپلماسی نظامی از دیدگاه امیرالمومنین علیه السلام با محوریت نامه ۵۳ نهج‌البلاغه» در سال (۱۳۹۸) درصدد برآمده تا به بررسی بحث ویژگی‌های فرماندهان در دیپلماسی نظامی از دیدگاه امیرالمومنین و با محور قرار دادن نامه ۵۳ پردازد تا صفات مناظر و کسی که برای گفتگو با دشمن انتخاب می‌شود را بدست آورد. مقالات دیگری همچون؛ «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی نامه ۵۳ نهج‌البلاغه» از فشی و نبی در سال (۱۳۹۷)؛ «مدیریت عمومی مبتنی بر نهج‌البلاغه (مورد مطالعه: نامه ۵۳)» از امیری در سال (۱۳۹۴)؛ «ساختار تعاملات مدیریتی حاکمان از رهگذر تحلیل محتوای نامه ۵۳ نهج‌البلاغه» از اولاد قباد و همکارانش در سال (۱۳۹۹) و «الویت بندی راهبردهای مؤثر در حکمرانی خوب با رویکرد ساختاری تفسیری (براساس نامه ۵۳ نهج‌البلاغه)» از فاضلی کبریا و همکارانش در سال (۱۳۹۹) چنانکه از عناوین آن‌ها پیداست، همگی درصدد ترسیم ساختار تعاملات مدیریتی حاکمان و وظایف آن‌ها از رهگذر تعمق در مهم‌ترین مؤلفه‌های مطرح در نامه امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر هستند و به مؤلفه‌ها و بایستگی‌های تمدنی نیروی نظامی در حکومت اسلامی نپرداخته‌اند.

ترسیمی از سیمای نیروی نظامی در نامه ۵۳

علی علیه اسلام در بخشی از نامه خود به مالک به اقشار گوناگون اجتماعی اشاره می‌کند و در کلمات خود به ارتباط میان این گروه‌ها اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها نیروهای نظامی است: «ای مالک بدان مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا، و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران، و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند، که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته، و مقدار واجب آن را

در قرآن یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است.^۱

امیرالمؤمنین به ارتباط و همگرایی و نیاز هریک از گروه‌های اجتماعی به یکدیگر اشاره می‌کند و در عبارتی مهم به اهمیت نیروهای نظامی و انتظامی پرداخته‌اند: «فَالجُنُودُ، بِإِذْنِ اللَّهِ، حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَزَيْنُ الْوَلَاةِ، وَعَزُّ الدِّينِ، وَسَبِيلُ الْأَمْنِ وَكَيْسُ تَقْوَمِ الرَّعِيَّةِ إِلَّا بِهِمْ. ثُمَّ لَا قَوَامَ لِلجُنُودِ إِلَّا بِمَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْخَرَاجِ الَّذِي يَقْوُونَ بِهِ عَلَى جِهَادِ عَدُوِّهِمْ، وَيَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يُصَلِّحُهُمْ وَيَكُونُونَ مِنْ وِرَاءِ حَاجَتِهِمْ». پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راه‌های تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد، و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند، و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند.^۲

در حقیقت امام (علیه‌السلام) جامعه را به هفت طبقه تقسیم نموده‌اند که در واقع هفت عمود خیمه زندگانی اجتماعی بشر برای شکل‌دهی و پیشبرد جامعه تمدنی است؛ چرا که انسان به طور طبیعی اجتماعی آفریده شده زیرا از یک سو نیازهای بشر به قدری متنوع و زیاد است که هیچ کس به تنهایی نمی‌تواند از عهده تأمین آن‌ها برآید. افزون بر این هیچ انسانی قانع به زندگی یکنواخت نیست، بلکه جامعه بشری دائماً به سوی تحول و تکامل پیش می‌رود و این پیشرفت، تنوع نیازهای او را افزون‌تر می‌کند و برای حل مشکلات هیچ راه عاقلانه‌ای وجود ندارد جز اینکه هر گروه به تأمین بخشی از این نیازها پردازند و نتیجه کار خود را با دیگران معاوضه کنند تا

۱. وَأَعْلَمُ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلَحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ، وَلَا عَنِّي بَعْضُهَا عَن بَعْضٍ فَمَنْهَا جُنُودُ اللَّهِ، وَمَنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ، وَمَنْهَا قَضَاءُ الْعَدْلِ وَمَنْهَا عُمَالُ الْأَنْصَافِ وَالرُّفُقِ، وَمَنْهَا أَهْلُ الْجَزْيَةِ وَالْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الذَّمِّ وَمُسْلِمَةِ النَّاسِ، وَمَنْهَا التُّجَّارُ وَأَهْلُ الصَّنَاعَاتِ وَمَنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذِئْبَتِ الْأَوَى الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ، وَكُلُّ قَدْ سَمِيَ اللَّهُ لَهُ سَهْمُهُ، وَوَضَعَ عَلَى حَدِّهِ فَرِيضَةً فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةٍ نَبِيِّهِ (صلى الله عليه وآله) عَهْدًا مَعَهُ عِنْدَنَا مَحْفُوظًا.

۲. سپس سپاهیان و مردم، جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند، و آن قضات، و کارگزاران دولت، و نویسندگان حکومتند، که قراردادها و معاملات را استوار می‌کنند، و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند، و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند. و گروه‌های یاد شده بدون بازرگانان، و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیاورند، زیرا آنان وسائل زندگی را فراهم می‌آورند، و در بازارها عرضه می‌کنند، و بسیاری از وسایل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندانند که باید به آن‌ها بخشش و یاری کرد. برای تمام اقشار گوناگون یاد شده، در پیشگاه خدا گشایشی است، و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار، حقی مشخص دارند، و زمامدار از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موقف باشد جز آن که تلاش فراوان نماید، و از خدا یاری بطلبد، و خود را برای انجام حق آماده سازد، و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد.

همگان از زحمات همه بهره‌مند شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۴۴۶/۱۰). از این روی امیرالمؤمنین در ترسیم جامعه تمدنی وظیفه و ویژگی هر گروهی را ترسیم می‌کند تا نقش هر یک در نظام تمدنی مشخص باشد.

بایستگی‌های نظامیان در نظام تمدنی

از آنجا که «بایستگی نظامی» آن ارزش و ویژگی مثبتی است که یک نظامی باید برای پیشبرد نظام تمدنی دارای آن باشد، از این روی فرد نظامی باید دارای همان شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی باشد که قرآن و روایات برای تحقق تمدن اسلامی از آن نام برده‌اند. شاخصه‌های بارز را می‌توان بدین شرح دانست: تکریم انسان‌ها (حجر: ۲۹)، عقلانیت (محمد: ۲۴)، رعایت حقوق مظلومان و مستضعفان (حدید: ۵۷)، ولایت مداری (شوری: ۹)، نگرش توحیدی (انفال: ۶۳)، عدالت گستری (حدید: ۲۵)، علم و معرفت (علق: ۱-۴)، آزادی (نهج البلاغه: نامه ۳۱)، توجه به سلامت و بهداشت (مائده: ۶) و گسترش اخلاقیات بر اساس موازین اسلامی است (فرزند وحی و احمدی، ۱۳۹۹: ۹۸). با این توصیف بی‌شک برای داشتن حکومتی در تراز تمدن اسلامی، بهره‌مندی از انسان‌هایی با چنین اوصافی برای نیروهای نظامی و فرماندهان آن نیز قابل تعمیم است.

الف) بایستگی‌های فرماندهان نظامی در تمدن اسلامی

علی علیه السلام در گام نخست به بایستگی‌های فرماندهان و سربازان نظامی در نظام تمدنی اشاره دارد. امام (علیه السلام) در این بخش از عهدنامه به تفصیل از شرایط فرماندهان لشکر سخن می‌گوید که در مجموع برای فرماندهان لشکر چهارده وصف ذکر می‌کند.

۱- ویژگی‌های شخصیتی

«برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذر پذیرتر باشد»^۱.

۱. قَوْلٌ مِّنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَ لِإِمَامِكَ، وَأَتْقَاهُمْ جَبِيًّا، وَأَفْضَلَهُمْ حِلْمًا، مِمَّنْ يُبْطِئُ عَنِ الْعَصَبِ.

۱-۱. خیرخواهی و ولایت‌پذیری: علی علیه السلام در ابتدا بایستگی‌هایی را برای یک

فرمانده برمی‌شمارد که به لحاظ شخصیتی باید آن فرد در ردیف فرماندهان نظام تمدنی قرار داشته باشد. *أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَكَرْسُوْلِهِ وَ لِأَمَامِكَ، وَأَنْقَاهُمْ جَبِيًّا*، به معنای آن است که یک فرمانده لشکر تنها باید به فکر پیشرفت آیین حق و عظمت پیامبر اکرم و پیروزی امام باشد. واژه «انصح» به معنای پندپذیرتر و در (پیروی از) امام و پیشوا پذیرنده‌تر باشند (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ۱۰۰۶/۵). به واقع فرمانده نظامی باید در مقام خیرخواهی و ولایت‌پذیری از امام خود نسبت به همه نظامیان پیشرو باشد. مسأله «نصح الأئمة» یکی از مهم‌ترین واجبات عبادی-سیاسی آحاد ملت است که در دستورات اُکید پیامبر اسلام (ص) به آن تصریح شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۴/۱). این همان معنایی است که امام علیه السلام در جای دیگر بدان اشاره کرده است که «حق من بر شما آن است که در پیمان خود نسبت به ولی امر وفادار باشید، و در کاستی‌ها و ناهمگونی‌ها که أحياناً پیش می‌آید، خالصانه پیش قدم شوید، ... و دستورات صادره را در تمامی ابعاد سیاست‌گذاری دولت، با جان و دل پذیرا باشید» (نهج البلاغه، خ ۳۴).

همان‌طور که بشر برای پیمودن راه سعادت و گام نهادن در طریق عبودیت و پیشرفت معنوی و رسیدن به کمالات انسانی که مهم‌ترین هدف در تمدن اسلامی است، نیاز به پیشوایانی دارد تا او را در این راه دست گیرند و به شیوه درست و در کم‌ترین زمان به هدف نزدیک کنند؛ فرماندهان نظامی نیز بسان همان پیشوایانی هستند که سربازان خود را به هدف والا می‌رسانند. شرط لازم این امر ولایت‌پذیری است که به معنای پذیرفتن رهبری پیشوای الهی است؛ چرا که نظام سیاسی اسلام و شیوه حکومتی دین بر پایه ولایت است و ملاک مسلمانی پس از اطاعت از رسول خدا (ص) ولایت‌پذیری است (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۷). در نظام تمدنی به دنبال ولایت‌مداری، نظم در جامعه برقرار خواهد شد؛ چرا که حیات و پایداری تمدن اسلامی با نظم و وحدت عجین بوده و اختلال در آن، آشوب، بحران و زوال را به همراه خواهد داشت. براین اساس دستگاه نظم و امنیت (نیروی نظامی و انتظامی) با ولایت‌پذیری می‌تواند در تحقق آرمان شهر تمدنی گام بردارد. از این روی خداوند اطاعت و پیروی از اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری آن‌ها را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۸/۴۳).

۱-۲. **راست گفتار و درست کردار:** از منظر امام علیه‌السلام، یک فرمانده باید پاکدل‌ترین افراد باشد «وَأَنْقَاهُمْ جَيِّبًا». در نگاه راهبردی امام، فرمانده نظامی در نظام تمدنی باید فردی باشد که رفتار و منش او به تربیت انسان‌های متمدن منجر شود و در انجام وظیفه‌اش خالصانه و مخلصانه در این راه بکوشد.

در نگاه تمدنی؛ دین و فرهنگ و تمدن سه مقوله فراگیرند که به گونه هماهنگ و همخوان قلمرو زندگی انسان را پدید می‌آورند. هر اندازه دین مطرح در جامعه و رفتارهای دینی با دین ناب و خالص نزدیک‌تر باشد پیوند دین با تمدن انسانی بیش‌تر و حس شدنی‌تر است (مخلصی، ۱۳۸۰). رفتار و حرکت‌های هدف‌مند انسانی در جهان‌بینی و دینی افراد تأثیر بسزایی دارد به طوری که می‌تواند نمودی از خلافت الهی او در صحنه هستی را به نمایش گذارد. از این روی فرماندهان نظامی در این جهان‌بینی نقش مهمی دارند. آن‌ها با رفتار و کردار درست خود نقش و منزلت نیروهای نظامی را در پیشبرد اهداف تمدنی از جمله گسترش عدالت انسانی و امنیت اخلاقی را برعهده دارند. از همین منظر می‌توان به یکی از تحقیقات انجام گرفته در مورد تأثیر و رابطه کردار و گفتار فرمانده نظامی با نیروی تحت فرمانش را مورد توجه قرار داد. در این تحقیق بیشترین میزان میانگین تخلفات سربازان متأثر از رفتار فرماندهان خود مربوط به «عدم رعایت ادب» و همچنین «بدرفتاری نسبت به کارکنان جمعی مربوطه» بوده است (مهدوی کیا و زارعی، ۱۳۹۸: ۲۷۳). از همین روی دومین ویژگی مدنظر امیرالمومنین برای فرماندهانی که می‌خواند در نظام تمدنی نقش ایفا کنند، درست کرداری می‌باشد.

۱-۳. **خردمندی و بردباری:** الْحَلْمُ: در اینجا به معنای «عقل» است (فیض‌الاسلام، ۱۴۰۵: ۱۰۰۶/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۶۴/۱۰؛ رحیمی‌نیا، ۱۳۷۰). یکی از مبانی مهم و اساسی هر تمدنی میزان اتکاء و تأکید آن بر عقل و خردورزی است که این مهم در باب تمدن اسلامی نیز صدق می‌کند. «از شاخصه‌هایی که باعث تمایز تمدن اسلامی شده و در آن، تبلور می‌یابد، این که تمدن اسلامی در حقیقت همان تمدن عقلانی است» (فرزند وحی و احمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۲).

از منظر تمدن اسلامی خردمندی و عقلانیت از ارکان مدیریت بشری است. کارایی عقلانیت در هر تمدنی به شناخت مفاهیم و صورت‌بندی‌های مختلف عقل و بهره‌گیری صحیح از آن در زمینه‌هایی چون معرفت‌شناسی، ایجاد ساختارها و نهادهای عقلانی و کنار زدن موانع موجود در

برابر آن بستگی دارد (طرفداری، ۱۴۰۱: ۸۹). از این روی عقلانیت، به معنای کار سنجیده و استفاده از خرد در حل مسائل گوناگون، جایگاه ویژه‌ای در اسلام دارد.

عقل و خرد به عنوان بزرگ‌ترین موهبت الهی، به صورت کلی بر همه فعالیت‌های حیاتی انسان چون فهمیدن، دانستن و همچنین داوری‌های اخلاقی نظارت دارد. همچنین از جمله عواملی است که نه تنها انسان را قادر به ایجاد ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عقلانی می‌کند، بلکه به کمک آن می‌توان با ایجاد قوانین کارآمد، نظم و عدالت اجتماعی را برقرار کرد؛ نظم و عدالتی که سرلوحه کارهای تمدنی یک حکومت و در رأس آن نیروهای نظامی است. از این روی امیرالمؤمنین خردورزی و عقلانیت را جزو صفات و بایستگی‌های یک فرمانده نظامی برشمرده و با تعبیر *وَأَفْضَلُهُمْ حِلْمًا* از آن یاد کرده است. حضرت حلم و عقل را با یک واژه مورد توجه قرار داده است؛ چرا که یک فرمانده برای حفظ خود در برابر خطرات مادی و معنوی که در برابر آن قرار می‌گیرد پیوسته احتیاج به دو چیز دارد: یکی وسیله‌ای که خود را در برابر خطرات بپوشاند مانند زره و دژهایی که در سابق وجود داشت و وسایل نقلیه محکمی که امروز در جنگ‌ها در آن خود را حفظ می‌کنند و دیگری سلاحی که به وسیله آن با دشمن مبارزه کند و او را از خود دور سازد. امام (علیه‌السلام) این دو وسیله حیاتی را به حلم و عقل تفسیر کرده است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۴). فرمانده نظامی در تراز نظام تمدنی، عقل و حلم را با هم نیاز دارد؛ چرا که اقتدار معنوی که با عقل و هوشمندی و ایجاد رابطه صمیمی با مردم و درعین حال ایستادگی بر سرمرزها و اصول قانون و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای به دست می‌آید، برای مرد دلنشین است. اقتداری که همراه با خشونت ناشی از عصبانیت و جهالت و احساس قدرت‌نمایی باشد؛ اصلاً اقتدار نیست از همین روی در ادامه به دو ویژگی فرمانده حلیم و عاقل اشاره می‌کند: *مِمَّنْ يُبْطِئُ عَنِ الْغَضَبِ، وَيَسْتَرِيحُ إِلَى الْعُدْرِ؛* از کسانی باشد که دیر خشم می‌گیرد و زود عذر می‌پذیرد. فرمانده لشکر باید در برابر خطاهای جزئی خونسرد و عذرپذیر باشد.

۲. ویژگی‌های نظامی

حضرت در ادامه به چهار وصف دیگر اشاره کرده که جزو بایستگی‌های نظامی فرماندهان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این اوصاف از آن کسانی است که با شخصیت، شجاع و پراستقامت

باشند به طوریکه یک فرمانده «بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد»^۱.

۱-۲. **تکریم و مهربانی:** امام علیه‌السلام با استفاده از عبارت «وَيَرَأْفُ بِالضَّعْفَاءِ»، در واقع به مؤلفه اخلاق و معنویت به عنوان یکی از بایستگی‌های اساسی فرمانده نظامی در تمدن اسلامی اشاره دارد. اعتماد آفرینی در میان مردم و نیز لشکریان و زیردستان در عین اقتدار، با حفظ کرامت انسانی و مهربانی قابل دریافت است؛ چرا که از شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی، بزرگداشت انسان و حفظ کرامت و شرافت اوست. تمدن اسلامی انسان را در زمین و آسمان، اشرف مخلوقات می‌داند و به هیچ مخلوقی اجازه اهانت و تحقیر انسان را نمی‌دهد. از همین روی یکی از ابزارهای تکریم انسانی، مهربانی و اخلاق مداری نسبت به ضعیفان است؛ چرا که ضعیفان برای حفظ جایگاه انسانی، ارزش‌های ذاتی و بزرگداشت شخصیتی خود بیشتر به محبت و مهربانی نیاز دارند.

اگر امام علی (علیه السلام) از نظر اخلاق اجتماعی، مسئولان و فرماندهان نظامی را به مردم داری، ابراز محبت و لطف نسبت به رعیت و مردم، و زیردستان دستور داده است به واقع به یک منش تمدنی توجه داده است؛ چرا که مهم‌ترین عامل موفقیت یک تمدن به این است که بتواند بیشترین تعداد افراد و جوامع را با خود همراه سازد. اما مهم‌تر از همه، توان نفوذ در دل‌هاست. این مهم تنها از طریق عقلانی بودن اندیشه میسر نمی‌شود (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶). عموم مردم نه از طریق استدلال، بلکه بیشتر با ملاحظه رفتار کریمانه و مهربانانه مجذوب می‌شوند.

۲-۲. **سختگیری بر زورمندان:** از آنجا که نیروی نظامی، به عنوان بازوی اقتدار در حاکمیت اسلامی به شمار می‌آیند، از این روی برای تحقق عدالت‌کیفیری و قضایی در یک نظام سیاسی باید مقتدرانه در برابر بروز و ظهور بسیاری از ناامنی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی که بدست زورگویان و ظالمان به وقوع می‌پیوندد، ایستادگی نماید. بر همین اساس امام یکی از بایسته‌های نظامی یک فرمانده نظامی را «وَيَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ» دانسته تا از این رهگذر به تحقق یکی از مؤلفه‌های تحقق تمدن اسلامی که «جامعه پذیر شدن مردم» و «تحقق رابطه سالم و عادلانه اجتماعی» (ترابی و مؤمنی، ۱۳۹۷: ۱۰۲) اشاره داشته باشند. چرا که زورمندان زیردستان را به

۱. وَيَرَأْفُ بِالضَّعْفَاءِ، وَيَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ، وَمِمَّنْ لَا يُثِيرُهُ الْعُنْفُ، وَلَا يَقَعُدُ بِهِ الضَّعْفُ.

استضعف و بردگی می‌کشاند و حکومت اسلامی را در تحقق عدالت اجتماعی به چالش می‌کشاند.

۲-۳. **اعتدال شخصیتی:** امام با اشاره به اعتدال در رفتاری و شخصیتی به عنوان یکی از بایستگی‌های فرمانده نظامی از عبارت «مَنْ لَا يُثِيرُهُ الْعُنْفُ، وَلَا يَقَعُدُ بِهِ الضَّعْفُ» استفاده کرده‌اند تا نشان دهند یک فرمانده باید کسی باشد که مشکلات، او را از جا به در نبرد و ضعف، او را به زانو در نیاورد. فرمانده تراز در تمدن، کسی است که مشکلات را با عقل و تدبیر و قدرت حل می‌کند و در برابر هیچ کس و هیچ کاری ضعف نشان نمی‌دهد. در تمدن اسلامی، اعتدال و میان‌روی در صحنه اجتماعی، جلوی افراط و تفریط را می‌گیرد و رعایت این اصل برای رسیدن به کمال مطلوب، اصلی ضروری است. همان‌گونه که اعتدال در عینیت جامعه اسلامی رواج داشته و تمدن اسلامی را در جنبه‌های مختلف متأثر ساخته است (الویری، ۱۳۹۳: ۶۰)، فرمانده نظامی نیز با داشتن روحیه و رفتار اعتدالی می‌تواند از بسیاری از انحرافات و آسیب‌های فردی و اجتماعی جلوگیری کند. جلوگیری از انحراف جامعه توسط نیروی نظامی جزو لازمه‌های تحقق جامعه تمدنی است.

ب) وظیفه حاکم نسبت به فرماندهان نظامی در پیشبرد تمدن اسلامی

در نظام اسلامی، حاکم و خلیفه مسلمین نسبت به انتخاب زمامداران باید چارچوب‌ها و بایستگی‌ها را در نظر گیرد تا در تحقق حاکمیت تمدنی مؤثر باشند. بی‌شک فردی می‌تواند در نظام تمدنی، شایسته جایگاه فرماندهی نظامی قرار گیرد که واجد بایستگی‌هایی باشد که مورد تأیید دین است. از این روی حاکم اسلامی، باید ویژگی‌های ذیل را قبل از انتخاب فرمانده نظامی و پس از آن در نظر گیرد:

۱. بایسته‌های انتخاب فرمانده

حاکم اسلامی باید قبل از انتخاب فرماندهان نظامی شرایط خاصی را برای انتخاب فرمانده مد نظر داشته باشد که لحاظ آن برای انتخاب فردی که بتواند به عنوان پیشران تمدن اسلامی مفید باشد، امری ضروری و لازم است. از این روی امام در این باره معتقدند که حاکم باید «در

[انتخاب] نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب شده، خاندانی پارسا، دارای سوابقی نیکو و درخشان، که دلاور و سلحشور و بخشنده و بلند نظرند، روابط نزدیک برقرار کند، آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده، و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند.^۱ در این باره سه ویژگی اصلی از این متن استخراج می‌شود:

۱-۱. **اصالت خانوادگی:** با توجه به اهمیت خانواده در تمدن اسلامی و نقش بی بدیل این نهاد مقدس در انتقال فرهنگ و عقاید، امام علیه السلام اصالت خانوادگی برای انتخاب فرماندهان نظامی را جزو بایسته‌های اساسی قرار داده‌اند و با عبارت «ثُمَّ الصَّقُّ بِذَوِي الْمُرُوءَاتِ وَالْأَحْسَابِ، وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالسُّوَابِقِ الْحَسَنَةِ» از آن یاد کرده است. از آنجایی که مشاغل نظامی از مشاغل دارای تیدگی بالا و پیچیدگی خاص هستند و توأم با مخاطرات جسمانی و حضور در شرایط سخت است، این شرایط می‌طلبد که فرماندهان و لشکریان از کسانی انتخاب شوند که تاب‌آوری آن را داشته باشند. امام این ویژگی را در کسانی می‌داند که دارای شخصیت و اصالت خانوادگی باشند؛ چرا که خانواده با فضیلت و با اصالت بستر رویش نسلی اثرگذار است و در چنین خانواده‌ای شخصیت‌های بزرگ به ظهور می‌رسند.

در تمدن اسلامی، خانواده با اصالت؛ مانوس با فضایل معنوی، عاطفی، روحی و روانی است که بستر رویش نسل‌های اثرگذار انسانی قرار می‌گیرد و به تربیت نسلی پاک و حامل فضائل منجر می‌شود. هر یک اعضا در این نهاد مقدس به شخصیت والا تبدیل می‌شوند (نوایی، ۱۳۹۴: ۴). امام نیز خانواده اصیل را پاکدامن، خوش سابقه و خوشنام معرفی کرده است. بنابراین خانواده مستحکم زیربنای مهمی در استحکام تمدنی خواهد بود. از این روی از ویژگی‌های تمدنی خانواده اصیل و ریشه‌دار؛ «حاکمیت نوعی تمدن دین‌گرا، آخرت‌گرا و معناگرا؛ عینیت دادن تمدن خدا محور و حاکمیت ولی خدا در جامعه، گسترش تمدن مبتنی بر عقلانیت دینی، علم دینی و نوعی انسان الهی» (خدادادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷) می‌باشد. فرماندهان تراز باید از چنین خانواده‌هایی باشند تا گام بزرگی در جهت رشد و تکامل نظامیان بردارند.

۱. ثُمَّ الصَّقُّ بِذَوِي الْمُرُوءَاتِ وَالْأَحْسَابِ، وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالسُّوَابِقِ الْحَسَنَةِ، ثُمَّ أَهْلِ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ، وَالسَّخَاءِ وَالسَّمَاخَةِ؛ فَإِنَّهُمْ جَمَاعٌ مِنَ الْكِرَامِ، وَشُعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ.

۱-۲. **اهل شجاعت و سخاوت:** امام در این باره فرموده‌اند: «ثُمَّ أَهْلُ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ، وَالسَّخَاءِ وَالسَّمَّاحَةِ». شجاعت، کرم و سخاوت همگی از صفات پسندیده و از اصول و فضایل اخلاقی به شمار می‌آیند. لزوم اخلاق اسلامی در حوزه فرماندهی و مدیریت نظامی سبب پرورش و تقویت مدیرانی شایسته و توانمند می‌گردد. از این حیث امام به لزوم داشتن بایستگی‌های اخلاق اسلامی در فرمانده نظامی تأکید دارد. هر چند امام به مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی فرمانده نظامی؛ یعنی بزرگواری و شجاعت و سخاوت و جوانمردی اشاره کرده است.

جامعه انسانی منهای اخلاق مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد. بر همین اساس است که تعالی روحی و نیل به فضایل و کمالات اخلاقی، از مهم‌ترین اهداف تمدن اسلامی است. یکی از ابعاد و کارکردهای اسلام، بُعد اخلاقی آن است و می‌توان گفت مقصود و دغدغه اخلاق رشد و تعالی بشر است. اخلاق و تربیت، بشر را در تمام ساحت‌های وجودی، زیبا و ستودنی می‌خواهد (نوری و فلاح، ۱۳۸۷) که این نهایت چیزی است که در تمدن اسلامی مورد نظر است. با این همه مکتب اسلام در زمینه خودسازی انسان‌ها برنامه‌ویژه‌ای دارد که انسان می‌تواند در سایه آن نظام فکری و اخلاقی درستی برخوردار شود، به ویژه آنکه بسیاری از خوش رفتاری‌ها یا کج رفتاری‌های لشکریان و نیروهای نظامی به عنوان مهم‌ترین پیشران‌های تمدنی بستگی به ویژگی‌های اخلاق و رفتاری فرماندهان خود دارد.

۲. بایسته‌های حمایتی

امام در این باره متذکر می‌شوند که: «ثُمَّ تَفَقَّدَ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَفَقَّدُ الْوَالِدَانِ مِنْ وُلْدِهِمَا، وَلَا يَتَفَقَّضُونَ فِي نَفْسِكَ شَيْءٌ قَوِيَّتُهُمْ بِهِ، وَلَا تَحْقِرَنَّ لُطْفًا تَعَاهَدْتَهُمْ بِهِ وَإِنْ قَلَّ»

حاکم، پس از انتخاب یک فرمانده تراز، باید مسئولیت این انتخاب را برعهده بگیرد و وظایفی را در قبال وی انجام دهد تا آن فرمانده در مسیر پیشبرد اهداف تمدن اسلامی مؤثر باشد. امام در این باره معتقدند که حاکم باید در کارهای فرماندهان به گونه‌ای بیندیشد که پدری مهربان درباره فرزندش می‌اندیشد، همچنین حاکم نباید آنچه را که فرماندهان را بدان نیرومند کرده در نظرش بزرگ جلوه کند، و نیکوکاری او نسبت به آنان هر چند اندک باشد کوچک شمارد، زیرا نیکو، فرماندهان را به خیرخواهی حاکم می‌خواند، و گمانشان را نسبت به او نیکو می‌گرداند، همچنین

حاکم نباید به خاطر رسیدگی به امور بزرگ فرماندهان، از رسیدگی به امور کوچکشان و ايمانده؛ زیرا فرمانده نظامی از نیکی اندک حاکم سود می‌برد، و به نیکی‌های بزرگ او بی‌نیاز نیستند. این بخش از کلام امام در واقع به چهار دستور درباره طرز رفتار با فرماندهان نظامی اشاره دارد که با عنوان بایسته‌های حمایتی از آن یاد شده است. در واقع حاکم باید با حمایت‌های متنوع از فرمانده نظامی از جمله حمایت عاطفی، معیشتی و اقتصادی و نظامی، او را در حمایت نظام و حکومت اسلامی قرار دهد. به واقع «حمایت از موجودیت یک جامعه و حکومت و همچنین حفظ دستاوردهای یک ملت، همیشه نیاز به نیروی نظامی و انتظامی را ضروری ساخته است» (اسدپور و اسکندری، ۱۳۹۸: ۸۹). از این روی همان‌گونه که حمایت نیروهای نظامی و انتظامی در شکل‌گیری و تداوم نظام و ارزش‌های تمدن اسلامی نقش اساسی دارند، حمایت حاکمان از فرماندهان نیز بردستیابی به چنین هدفی استوار است. براین اساس حاکم باید برای نگاه داشت فرمانده نظامی و انتظامی در حمایت‌های خود به موارد ذیل توجه کند:

- بررسی و فهم درست از مشکلات و نیازها: حاکم باید همچون پدر و مادر دلسوز، پر محبت و تلاشگر درباره نیازهای فرماندهان و لشکریان جست‌وجو کند و پیوند عاطفی محکمی با آنها برقرار سازد که سبب وفاداری آنها به فرمانده و پایداری آنان در میدان جنگ شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۰/۴۶۵).
- بزرگ جلوه ندادن کمک‌ها: حاکم از این که کمک مالی و یا هر نوع منفعت‌رسانی را که باعث تقویت فرماندهان می‌گردد را در نزد خود بزرگ بشمارد، بدان جهت که این عمل باعث کوتاهی او در حق نظامیان می‌گردد (بحرانی، ۱۴۱۷: ۵/۲۶۸).
- کوچک نشمردن نیکی‌ها: حاکم نباید لطف و محبتی را که درباره آنها ابراز می‌دارد، هرچند کوچک باشد حقیر بشمارد.
- غافل نشدن از امور کوچک: حاکم نباید به دلیل رسیدگی به کارهای مهم، به کارهای کم‌اهمیت فرماندهان پردازد.

مجموع این سفارش‌ها نشان می‌دهد که عدم حمایت‌های صحیح و به موقع از فرماندهان نظامی، باعث سست عنصری آنها و نیروهای تحت فرمانشان می‌شود. این شرایط سبب می‌گردد نیرویی که باید به عنوان پیشران تمدن اسلامی و مجری ارزش‌های تمدنی؛ همچون ایجاد امنیت

اجتماعی، صیانت از طبقات جامعه، استحکام ارتباط میان مردم و حاکمیت، مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌ها (ترابی و مؤمنی، ۱۳۹۷) و... مطرح باشد، کارآمدی دولت و نظام تمدنی را زیر سوال برد.

ج) بایستگی‌های فرماندهان نظامی نسبت به لشکریان

همان‌گونه که انتخاب درست فرماندهان و حمایت شایسته از آن‌ها در پیشبرد ارزش‌های تمدنی نقش مهمی دارد، توجه به لشکریان و نظامیان نیز بسیار مهم است. بنابراین بایسته است فرماندهان نظامی برای پیشبرد نظام تمدنی نسبت به نیروها و لشکریانی که انتخاب کرده‌اند، توجه لازم را داشته باشند؛ چرا که یکی از مؤلفه‌های تمدنی، مدیریت شایسته نسبت به زیردستان است.

۱. **توجه به امور معیشتی:** امام علیه‌السلام توجه به امور معیشتی و اقتصادی لشکریان را در اولویت قرار می‌دهد و شایسته‌ترین فرمانده را کسی می‌داند که «از همه بیشتر به سربازان کمک رساند، و از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذارد، به اندازه‌ای که خانواده‌هایشان در پشت جبهه، و خودشان در آسایش کامل باشند، تا در نبرد با دشمن، سربازان اسلام تنها به یک چیز بیندیشند».^۱

باید توجه کرد که در میان مسائل مورد نیاز تمدن و جامعه، اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت اقتصاد برای آحاد جامعه، به دلیل درگیری روزمره و ملموس آن‌ها با مسائل و امور اقتصادی است. اگر مطابق نظر برخی که تمدن را مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای مشخص به همراه وجود سازمان‌ها و نهادهایی با هدف وصول به پیشرفت مادی و معنوی انسان در یک چارچوب منظم معرفتی و فکری (حبیب‌نژاد و سلمانی، ۱۳۹۶) بدانیم، تمدن اسلامی برخلاف تمدن غرب، توجه به زیست مادی بشر در کنار زیست معنوی اوست. امام نیز به این رویکرد اهمیت ویژه داده و آن را در اولویت اقدامات فرماندهان نظامی و انتظامی قرار داده است.

اهمیت این مقوله برای تمدن اسلامی، به این دلیل است که استقلال و قدرت مقاومت و نیز شکوه، عظمت و ثبات سیاسی آن، به ساختار اقتصادی و توانایی تمدن در حل نیازمندی‌ها،

۱. وَلَيْكُنْ أَتْرُ رُءُوسِ جُنْدِكَ عِنْدَكَ مَنْ وَأَسَاهُمْ فِي مَعُونَتِهِ، وَأَفْضَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ جِدَّتِهِ، بِمَا يَسَعُهُمْ وَيَسَعُ مَنْ وَرَاءَهُمْ مِنْ خُلُوفِ أَهْلِيهِمْ، حَتَّى يَكُونَ هُمُومُ هَمًّا وَاحِدًا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ، فَإِنَّ عَطْفَكَ عَلَيْهِمْ يَعْطِفُ قُلُوبَهُمْ عَلَيْكَ، وَإِنَّ أَفْضَلَ قَرَّةِ عَيْنِ الْوَلَدَةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ، وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ.

معطلات و مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم وابسته است. علاوه بر این، اقتصاد بیمار و فقدان نظام اقتصادی، زمینه را برای نابودی ارزش‌های اخلاقی و حاکمیت فساد و فحشاء و جرم و جنایت فراهم می‌کند. اصولاً پیمودن مسیر تکامل و رسیدن به کمال مطلوب برای یک تمدن، بدون فراهم بودن نظام اقتصادی مستحکم، غیرممکن به نظر می‌رسد (مشکانی، ۱۳۹۱). این رویکرد برای نیروهای نظامی و انتظامی نیز در اولویت است؛ چرا که بهروری این نیرو می‌تواند به ارائه عدالت و امنیت اجتماعی کمک شایایی کند. مقام معظم رهبری با توجه به این رویکرد به فرماندهان نیروی انتظامی توجه به معیشت نیروهای تحت امر خود را متذکر شده‌اند.^۱

۲. **توجه به امور فرهنگی:** فرماندهی می‌تواند در پیشران حکومت تمدن قرار گیرد که در جذب دل‌ها و همراه کردن لشکریان با حکومت اسلامی و ارزش‌های تمدنی کوشا باشد. از این روی امام با بیانی دقیق به این نکته اشاره کرده‌اند که: «همانا مهربانی تو نسبت به سربازان، دل‌هایشان را به تو می‌کشاند». عموم مردم نه از طریق استدلال، بلکه بیشتر با ملاحظه رفتار کریمانه و مهربانانه مجذوب می‌شوند، این همان مهمی است که قرآن بدان اشاره کرده (آل عمران: ۱۵۹) و از این حیث، اسلام قدرت جذب بسیار بالایی دارد.

امام بلافاصله به وجه تمدنی این بایستگی اشاره می‌کند و معتقد است مهربانی باعث جلب مردم به سوی حاکمیت و خیرخواهی نسبت به حاکم می‌شود: «همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است، که محبت دل‌های رعیت جز با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید، و خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبر را گرفته، و حکومت بار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد، و طولانی شدن مدت زمامداری بر ملت ناگوار نباشد».^۲ فرمایش امام نشان می‌دهد که بن‌مایه‌های اصلی تمدن‌سازی به بهترین وجه در اسلام وجود دارد. سیاست تمدنی بقای حکومت و رشد و گسترش آن، سرمایه‌گذاری بر حاکمان تمدن‌ساز با احیای آبادانی و امنیت در قلمرو خود است که بر پایه آن علاوه بر پایداری حکومت به رونق عرصه‌های مختلف حاکمیت منتهی می‌شود (فردمقدم، ۱۴۰۰: ۱۶).

۱. «من راجع به معیشت کارکنان هم بارها سفارش کرده‌ام... به رده‌های میانی و پایین نیرو هم خیلی توجه کنید...» (در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۸۲/۷/۱۲)

۲. وَإِنَّهُ لَا تَطْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةٍ صُدُّورِهِمْ، وَلَا تَصِحُّ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَيْطَنِيهِمْ عَلَىٰ وِلَاةِ الْأُمُورِ، وَقَلْبُهُ اسْتِنْقَالِ دَوْلَتِهِمْ، وَتَرْكِ اسْتِبْطَاءِ انْقِطَاعِ مَدَّتِهِمْ.

امام همچنین راه بدست آوردن دل‌ها را بیان کرده و به انجام کار فرهنگی در این زمینه اشاره کرده‌اند «پس آرزوهای سپاهیان را بر آور، و همواره از آنان ستایش کن، و کارهای مهمی که انجام داده‌اند بر شمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را بر می‌انگیزاند، و ترسوها را به تلاش وامی‌دارد». در نظام تمدنی یکی از مؤلفه‌های کارایی نهادهای مختلف، منابع انسانی هستند؛ از این روی فارغ از انجام وظایف هر یک از نهادها، چگونگی برخورد با منابع انسانی می‌تواند در کارآمدی و یا ناکارآمدی آن نهاد نقش مهمی ایفا کند. امام علیه‌السلام برای حفظ و بالندگی نیروی انسانی در نیروی انتظامی به اجرای فرهنگ ستایش در این نهاد اشاره کرده است. این بدان معناست که «روش‌ها و سبک‌ها و عملکردهای مدیریت به طور گسترده و دامنه دار با فرهنگ سازمانی ارتباط تنگاتنگ دارد. اگر تصمیمات متناسب و هم‌رنگ با بسترهای فرهنگی سازمان نباشد، بدون شک قابلیت اجرایی کمتری خواهند داشت... این روی مقوله فرهنگ هنوز عامل مهمی است که تعیین‌کننده اقدامات مدیریتی است» (نصیری و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸).

۳. **توجه به امور نظامی:** امام در پایان به مهم‌ترین وظیفه فرماندهان نظامی نسبت به لشکریان اشاره دارند^۱ که دربرگیرنده مسائل نظامی و انتظامی است از جمله:

- شناسایی رنج و زحمات هر یک از آنان،
- هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذاشتن،
- ارزش خدمت لشکریان را ناچیز نشماردن، تا مبدا شرافت و بزرگی کسی موجب گردد که کار کوچکش بزرگ شمرده شود، یا گمنامی کسی باعث شود که کار بزرگش ناچیز دانسته شود.
- واگذاری بررسی مشکلات و شبهات مربوط به احکام نظامیان به خدا، و رسول خدا ﷺ (کتاب و سنت).

۱. ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا أُبْلِى، وَلَا تَضْمَنْ بَلَاءَ امْرِئٍ إِلَىٰ غَيْرِهِ، وَلَا تُقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بَلَاءِهِ، وَلَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا، وَلَا ضَعْفُ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تُسْتَصْغِرَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا. وَارْتَدَّدَ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا يُضْلِعُكَ مِنَ الْخَطُوبِ، وَيَشْتَبِيهِ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِقَوْمِ أَحَبِّ إِرْشَادِهِمْ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ فَالرَّدُّ إِلَى اللَّهِ الْأَخْذُ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ، وَالرَّدُّ إِلَى الرَّسُولِ الْأَخْذُ بِسُنَّتِهِ الْجَامِعَةِ غَيْرِ الْمُفْرَقَةِ.

به واقع امام در این بخش برای سالم ماندن نظامیان پس از انتخاب و مصون ماندن دستگاه نظامی و انتظامی حکومت از انحراف، مواردی را توصیه نموده که رعایت آن‌ها در سالم‌سازی جامعه مؤثر است. نظارت به منظور اجرای عدالت و جلوگیری از بروز انحراف و ظلم و ستم در جامعه صورت می‌گیرد. یکی از اصول ایمنی که می‌تواند محافظ و تداوم‌بخش تمدن‌ها و بلکه تعالی‌بخش سطح نظام ارزشی در آن‌ها باشد، نظارت است. نظارت، سبب ارتقای سطح امنیت اجتماعی و اعتلای فرهنگی می‌شود.

حضرت با اشاره به لزوم نظارت و مواظبت بر رفتار و عملکرد کارگزاران و فرماندهان نظامی خود، و ارائه دستورالعمل‌های مدیریتی و اخلاق اجتماعی و برنامه‌های سازندگی فردی به آنان، مانع از نیازدگی و روآوری ایشان به وسوسه‌های نفسانی می‌گردید. این اقدامات که به منظور سالم‌سازی نیروهای انسانی صورت می‌گرفت، در مجموع به تقویت بنیان‌های حکومت و امنیت عمومی جامعه و اعتماد بیشتر مردم به زمامدار می‌انجامید (ثواب، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با واکاوی بخشی از نامه امام علی به مالک اشتر، بایسته‌هایی نظامی که در پیشبرد نظام تمدنی مؤثر است مورد واکاوی قرار گرفت و نتایج ذیل حاصل شد:

۱. دستورهای امام به مالک در سه بخش مورد بررسی قرار گرفت؛ از منظر امام اعتدال رفتاری، ولایت‌پذیری و خردمندی جزو بایسته‌های اساسی یک فرمانده است. از سویی دیگر حاکم نیز در انتخاب یک فرمانده و نظامی باید بایسته‌هایی همچون پاکدامنی، حسن سابقه و اخلاق مداری را مد نظر داشته باشد. در نهایت فرمانده در تراز نیز باید به مسائل خانوادگی و فردی و اخلاقی لشکریان خود توجه لازم را داشته باشد تا در پیشرانی نظام تمدنی نقش آفرینی کنند.

۲. همچنین امام علیه السلام در فرازهای مورد اشاره این نامه بیشتر به امور معنوی، جنبه‌های روحی و ویژگی‌های شخصی فرماندهان سپاه تکیه کرده‌اند؛ چون آنچه سبب پیروزی و پیش برنده ارزش‌های تمدنی همچون عدالت، امنیت، رفاه، اخلاق و... است، همین امور می‌باشد و پرداختن به اهمیت آموزش‌های نظامی و مسائل مربوط به سلاح و... را د

ربخش‌ها و نامه‌های دیگر مورد تذکر قرار داده‌اند. در دنیای امروز کمتر دیده می‌شود که برای انتخاب فرماندهان و مدیران جامعه به سراغ ویژگی‌های خانوادگی و صفات معنوی و سخاوت و پاکدامنی و تقوای آن‌ها بروند. به همین دلیل بسیار دیده شده که خیانت‌های بزرگ از سوی همین مدیران صورت می‌گیرد و دولت و جامعه تمدنی مورد نظر اسلام به جایگاه واقعی خود نمی‌رسد.

۳. توجه به مسئله معیشت نظامیان و به ویژه خانواده آن‌ها جزو مسائل اساسی در نظام تمدنی است.

۴. امام در نامه ۵۳ به ایجاد نظام مدیریتی کارآمد و شایسته به ویژه در بخش نظامی اشاره کردند تا امور مردم به بهترین شکل انجام شده و عدالت اجتماعی تحقق یابد. بدین صورت، ایشان دینداری و تعهد را بافضیلت‌گرایی و شایسته‌سالاری توأم نمود و کوشش کرد تا حکومت اسلامی را با بایستگی‌ها و جنبه‌های تمدنی معرفی نماید.

۵. از دیدگاه امام (ع)، نیروی نظامی یکی از ارکان مهم حکومت است که موجب برقراری ارزش‌های تمدنی همچون نظم عمومی در جامعه، امنیت مردم، شکوه رهبران و عزت دین خواهد بود.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، صبحی صالح، (۱۳۷۴ش)، قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
- ابن میثم بحرانی، (۱۴۱۷ق)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ترجمه محمدی مقدم و نوایی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- اسدپور، حمید و اسکندری، حسن (۱۳۹۸ش)، «مبانی نظری و جایگاه نیروی نظامی و انتظامی در اندیشه‌های متفکران اسلامی تا پایان عهد صفوی»، مطالعات تاریخ نظامی، س ۶، ش ۲۰، صص ۸۹-۱۱۰.
- باقی نصرآبادی، علی، (۱۳۸۷ش)، «ولایت و ولایت‌مداری از دیدگاه شهید مطهری» حصون، ش ۱۵.
- ترابی، یوسف، مؤمنی، سید علی (۱۳۹۷)، «نقش‌های پیشرانی نیروی انتظامی در تحقق تمدن نوین اسلامی»، پژوهش‌های دانش انتظامی، س ۲۰، ش ۲.
- ثواب، جهانبخش (۱۳۸۰ش)، «امام علی(ع) کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات»، حکومت اسلامی، ش ۲۲.
- حبیب‌نژاد، سیداحمد و سلمانی، مرضیه (۱۳۹۶ش)، «نظام شایسته فقر زدایی در تمدن نوین اسلامی»، سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۸۲/۷/۱۲، به آدرس <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1039>
- خدادادی، پوران و همکاران، (۱۴۰۱ش)، «آثار تمدن خانواده مستحکم در سیره معصومان»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۴۸، صص ۷-۳۲.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغتنامه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رحیمی نیا، مصطفی، (۱۳۷۰ش)، فرهنگ نهج البلاغه، تهران: اسلامی.
- طرفداری، منصور، (۱۴۰۱ش)، «تأملی بر مفهوم عقل در تمدن اسلامی با تأکید بر دیدگاه محمد بن زکریای رازی»، علم و تمدن در اسلام، س ۴، ش ۱۳، صص ۸۴-۹۹.
- فردمقدم، هدی (۱۴۰۰ش)، «عمران و آبادی عهد عضدی؛ سیاست تمدنی بقای حکومت»، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، ش ۱۳، صص ۱۵-۳۸.
- فرزندوحی، جمال و احمدی، فاطمه، (۱۳۹۹ش)، «شاخصه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی در آیات و روایات»، تمدن اسلامی و دین پژوهی، س ۲، ش ۵، صص ۹۸-۱۱۳.
- فیض‌الاسلام اصفهانی، علی نقی، (۱۳۶۸ش)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مخلصی، عباس، (۱۳۸۰ش)، «دین فرهنگ و تمدن اسلامی»، حوزه، ش ۱۰۵-۱۰۶.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۱ش)، «مدخلی بر مناسبات فقه و تمدن»، فقه، ش ۷۲، صص ۶۲-۱۰۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶ش)، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی کیا، داود و زارعی، احمد (۱۳۹۸ش)، «بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی فرماندهان نظامی و میزان تخلفات سربازان تحت امر»، طب نظامی، ش ۳، صص ۲۷۲-۲۸۱.
- نصیری، روح الله و همکاران (۱۳۸۸ش)، «فرهنگ و نقش آن در اقدامات مدیریت منابع انسانی»، توسعه انسانی پلیس، ش ۲۶، صص ۵۷-۷۲.
- نوابی، علی اکبر، (۱۳۹۲ش)، «خانواده الگو در اسلام»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، س ۱۹، ش ۳.
- نوری، محمد و فلاح، محمدرضا (۱۳۸۷ش)، «اخلاق اسلامی؛ مبانی و غایات»، حوزه، ش ۲۳۹.
- وحیدی‌منش، حمزه علی (۱۳۸۶ش)، «عناصر تمدن‌ساز دین اسلام»، معرفت، ش ۱۲۳.
- الویری، محسن (۱۳۹۳ش)، «اعتدال‌گرایی در گستره تاریخ تمدن اسلامی؛ یک بررسی مقدماتی»، نقد و نظر، ش ۳، صص ۴۰-۶۶.

